

بهزیستی؛ موب‌های ویژه سالمندان و معلولان

اصل و شرح

علیرضا انجلاسی، رئیس ستاد برگزاری مراسم تشییع سازمان بهزیستی کشور؛ ۳ موب‌خدمت رسان در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، اداره کل بهزیستی

شهر تهران و پارک دانشجو بر پا خواهد شد. در این موب‌ها خدمات پزشکی، روانشناسی، اورژانس اجتماعی، پذیرایی و راهنمایی مراجعان ارائه می‌شود. موب‌های سازمان بهزیستی در تهران امکان خدمت‌رسانی به حدود ۱۰۰ هزار نفر از شرکت‌کنندگان در مراسم را خواهند داشت. همچنین هماهنگی برای

اسکان و پذیرایی از جامعه هدف سازمان بهزیستی در ۱۳ استان انجام شده است؛ به‌گونه‌ای که ظرفیت اسکان ۵۰۰ نفر در تهران، ۵۰۰ نفر در خراسان رضوی و ۴۰۰ نفر در قم پیش‌بینی شده است. بسیاری از سالمندان، افراد دارای معلولیت و دیگر مددجویان علاقه‌مند هستند در این مراسم حضور داشته باشند.

از استکان چای تا بغض ایران

قاب‌عکس پر خاطره رهبر شهید در خیابان‌های پایتخت دل می‌برد

خانه خودمان را نگاه می‌کنیم...» از ماندگاری این تصاویر، درست در همین سادگی نهفته است. نه تزیینی در کار است، نه مراسمی رسمی؛ فقط یک استکان چای، یک تلیکی ساده و تصویری که حالا به بخشی از حافظه جمعی این روزهای ایران تبدیل شده است. شاید برای همین است که این روزها، در میان همه تصاویر آیینی، یک استکان کوچک بیشتر از هر نماد دیگری دیده می‌شود؛ استکانی که حالا برای خیلی‌ها فقط یک ظرف چای نیست؛ تکه‌ای از خاطرات مشترک چند نسل است. مراسم وداع و بدرقه رهبر شهید ۱۳، ۱۴ و ۱۵ تیر برگزار می‌شود، اما به‌نظر می‌رسد مردم از همین حالا، وداع خودشان را با خاطر‌ها آغاز کرده‌اند؛ با یک عکس، یک استکان چای و دلنگاری‌ای که توضیح دانش‌آسان نیست.

«ما را به یک استکان چای دعوت کن...» جمله پرتکراری که این روزها مردم بعد از دیدن بنرهایی از رهبر شهید با استکان کوچک چای در دستش با آن خاطره بازی می‌کنند. تهران در آستانه روزهای وداع و بدرقه، پر از تصویر است؛ اما انگار میان همه قاب‌ها، این عکس‌های چای خوردن آقای شهید بیشتر از دیگر عکس‌ها مردم را متوقف می‌کند. نه به‌خاطر یک ژست رسمی یا یک قاب تاریخی، بلکه به‌خاطر همان چیزی که سال‌ها بعد از آن تصویر همچنان در ذهن مردم مانده سادگی. در شبکه‌های اجتماعی هم ماجرا همین است. کاربران زیر عکس‌ها از استکان‌های مادر بزرگ‌ها نوشته‌اند، از سمورهای گوشه آشپزخانه، از عصرهایی که چای تازه‌دم بهانه دور هم بودن بود. یکی نوشته: «آقا را همیشه با همین استکان‌ها یاد می‌آید.» دیگری نوشته: «انگار داریم عکس یکی از بزرگ‌ترهای



جامعه پای کار تشییع

سازمان‌های اجتماعی، آماده مشارکت در وداع با رهبر شهید

محمد سرابی | روزنامه‌نگار | هوای پایتخت، سنگین از ماتم و سوگواری و پایتخت آماده بزرگ‌ترین مراسم این شهر شده است. تهران آماده می‌شود وداعی بی‌نظیر را رقم بزند. مقدمات این گردهمایی بزرگ فراهم شده و همه می‌خواهند نقش و سهمی در بزرگ‌ترین مراسم شهر داشته باشند. هر سازمانی ظرفیت‌های خود را برای کمک به زائران این مراسم به‌کار گرفته است؛ زیرا پیش‌بینی می‌شود جمعیتی معادل جمعیت فعلی تهران در ایام تشییع به پایتخت اضافه شود. در روزهای آینده کارکنان دستگاه‌های مختلف اجرایی، هر کدام بخشی از بار خدمت در این مراسم را به دوش می‌کشند؛ سازمان‌هایی که به‌دلیل هویت و کارکرد اجتماعی خود، قبلاً در مراسم مشابه به خدمتگزارانی پرداخته‌اند و در مراسم تشییع، تجربیات و امکانات خود را به میدان آورده‌اند.

بنیاد شهید: آمادگی اسکان در هتل‌ها
اسماعیل سجادی منش، مدیرعامل سازمان کوثر بنیاد شهید
تمام امکانات اسکان هتل‌های هوپزه در تهران، قدس، نایم و خورشید هشتم در مشهد و شاهد در استان قم در اختیار بنیاد شهید و امور ایثارگران قرار گرفته است. موب‌پذیری در مصلا امام خمینی (ره) در آرزو وداع و موب‌پذیری در استان قم برای روز تشییع رهبر شهید آماده‌سازی شده است. مجتمع اقامتی کوثر اصفهان، مجتمع اقامتی کوثر البرز و دیگر مجموعه‌های گروه هتل‌های کوثر نیز آماده ارائه خدمت هستند.

وزارت علوم: اسکان کاروان‌های دانشگاهی
مهدی پندار، رئیس کمیته استان تهران دانشگاهیان ستاد ملی مراسم وداع
ظرفیت‌های اسکان در دانشگاه‌های دولتی، دانشگاه‌های علوم پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی و پژوهشگاه‌های استان تهران به‌صورت کامل شناسایی و سازماندهی شده است. بخشی از این ظرفیت‌ها برای اسکان کاروان‌های دانشگاهی و بخشی دیگر، برای خدمت‌رسانی به سایر زائران مورد استفاده قرار خواهد گرفت. با همکاری دانشگاه‌های استان تهران، ۳۰ موب‌بزرگ دانشگاهیان در مسیرهای پیش‌بینی شده برای مراسم برپا خواهد شد.

آموزش و پرورش: اسکان ۲۰۰ هزار نفر در مدارس
علیرضا کاظمی، وزیر آموزش و پرورش
برنامه عملیاتی آموزش و پرورش برای مراسم تشییع از ۱۰ تا ۲۰ تیر ادامه دارد و در این مدت اسکان میزبانی از زائران انجام می‌گیرد. ۱۰۰۰ مدرسه در تهران و ۱۰۰۰ مدرسه دیگر در شهرستان‌ها برای اسکان پیش‌بینی شده است و در تهران ۲۰۰ هزار نفر ظرفیت اسکان داریم. پیش‌بینی می‌شود بخش زنده مراسم تشییع در برنامه شاد بیش از ۴ میلیون بیننده داشته باشد. روز چهارشنبه با حضور ۳ هزار دانش‌آموز شهر تهران در مصلا، همخوانی سرودهای وداع با رهبر اجرا خواهد شد. ۴ استان به‌صورت مستقیم و سایر استان‌ها نیز به‌صورت غیرمستقیم در اجرای برنامه‌های ستاد ویژه تشییع وزارت آموزش و پرورش مشارکت دارند.

اما از نظر سرپرست شورای مؤلفان مؤسسه لغتنامه دهخدا، هر چند این لغت از نظر ساختار دستوری درست است اما قرار نیست که در میان لغتنامه دهخدا جای داشته باشد.

از سریال‌های مهران مدبری از طرف این نویسنده خلق شد. «پاچه‌خار» در فرهنگ عامیانه ما ایرانی‌ها فراگیر شد و قاسم‌خانی از ثبت این واژه در لغتنامه دهخدا خبر داد

چند روزی است که یک گفت‌وگوی ویدئویی از مهراب قاسم‌خانی، نویسنده طنز دست به‌دست می‌شود و در آن شرح می‌دهد که چطور واژه «پاچه‌خار» برای کاربرد در یکی



سفر ناتمام پرواز ۶۵۵

درباره سی‌وهشتمین سالروز حمله به پرواز ۶۵۵ ایران ایر و پیکر مسافرانی که هرگز پیدا نشدند

مکت
کوسه‌هایی که سرعت تجسسی را کم کردند

بارسیدن آمبولانس‌ها و به‌آب‌زدن غواصان محلی، عملیات جست‌وجوی پیکرهای شهیدان، آغاز شد. امیردربار ناصر سرنوشت در آن زمان به فرماندهی عملیات انتخاب شد: «منطقه گشت و جست‌وجوی اجساد را ۸ کیلومتر در ۸ کیلومتر تعیین کردیم... عمق آب ۲۰ تا ۳۰ متر و حتی ۴۰ متر هم بود. ۸۰ غواص با کالی تجهیزات و به شکل شبانه‌روزی در دمای بالاتر از ۴۰ درجه سانتی‌گراد، اما در نهایت تنها پیکر و قطعات بدن ۱۷۸ نفر از ۲۹۰ مسافر هواپیما پیدا شد.» راشد بندری، یکی از بومی‌های جزیره هنگام نیز روزهای جست‌وجوی پیکر مسافران را اینگونه روایت کرده بود: «باور کردنی نبود... بدن‌ها تکه‌تکه بودند و روم کرده... هر کدام را که غواصان با قایق به ساحل می‌آوردند خانواده‌های منتظر، سویش می‌دویدند... از جسد دختر بچه ۸ ساله، یک دست پیدا شد که عروسکی به آن گیر کرده بود...»

راشد از علت کند پیش رفتن عملیات جست‌وجو در عمق ۳۷ متری حوالی روستای شیب‌دراز نیز گفت: «خیلی از شب‌های جست‌وجو، کوسه‌ها و سفر ماهی‌ها به غواصان حمله می‌کردند. خدامی‌داند که چه بقایایی از اجساد، خوراک آن کوسه‌ها و سفر ماهی‌ها شده...» افراد عملیات جست‌وجو، ساعت‌های زیادی هم صرف یافتن جعبه سیاه ایرباس موشک خورده، کردند اما به گفته سرهنگ منصور قاسمی، فرمانده یکی از تیم‌های غواصی نیروی دریایی سپاه پاسداران این جعبه سیاه هیچ وقت پیدا نشد. حالا ۲۸ سال گذشته و هر سال در ۱۲ تیر بسیاری به آب‌های خلیج فارس گل می‌اندازند تا یاد مسافران ابدی پرواز ۶۵۵ را گرامی بدارند.



سحر جعفریان عصر | روزنامه‌نگار | صبح ۱۲ تیر ۱۳۶۷ در حالی که خلبان پرواز ۶۵۵ بندرعباس -دوبی، ارتفاع ایرباس 300A را از ۷ به حدود ۱۴ هزار پا، تغییر می‌داد، مسافران از پنجره به آب‌های خلیج فارس حوالی ساحل روستای «شیب‌دراز» جزیره قشم و کمی آن طرف‌تر، جزیره هنگام چشم‌دوخته بودند؛ ۲۰۸ مرد و زن همراه ۶۶ کودک و ۱۶ خدمه پرواز. همان وقت در ساحل شیب‌دراز و جزیره هنگام، بچه‌هایی سرگرم شن‌بازی بودند و ماهیگیری مشغول در قایق‌هایشان؛ اما چند کیلومتر دورتر در ویلیام راجرز، کاپیتان رزم‌ناو آمریکایی وینسنس فرمان شلیک موشک‌ها را صادر کرد... دود غلیظ و صدای مهیب ناشی از برخورد ۲ موشک به ایرباس و ۲۹۰ سرنشینش راهم آن بچه‌ها و ماهیگیران ساحل شیب‌دراز و هنگام دیدند و شنیدند. ۳۸ سال از آن روز گذشت و گزارش زیر روایتی از این جنایت است که براساس بازخوانی گزارش‌ها و فیلم‌های مستند حمله موشکی به پرواز ۶۵۵ ایران‌ایر تنظیم شده است.

گزارش

ساعتی قبل از جنایت
۲ ناو آمریکایی وینسنس و مونترگمیری که از میانه جنگ ایران و عراق به پهنا جنگ نفتکش‌ها نیز آب‌های خلیج فارس شناور بودند، سحرگاه ۱۲ تیر ۱۳۶۷ بیش از هر روز دیگر به حریم دریایی ایران در تنگه هرمز نزدیک و نزدیک‌تر شدند. این اتفاق، آتش درگیری میان ناوچه‌های نیروی دریایی ایران و افسران عرشه‌ها و وینسنس را روشن کرد. دقایقی بعد، بر تعداد ناوچه‌های توب‌انداز ایرانی افزوده شد و ناو وینسنس تا حدودی از پیشروی بازماند اما همچنان آتش زد و بدل می‌شد. عقب‌تراز جبهه درگیری آنها، در یکی از باندهای پرواز فرودگاه بین‌المللی بندرعباس، مسافران سوار ایرباس 300A می‌شدند و کادر پرواز همراه با محسن رضاییان، خلبان، در صدد فراهم آوردن مقدمات یک سفر خوش بودند.

شاهدان یک فاجعه
ساعت نزدیک ۱۰:۲۵، صدایی هولناک از سمت دریا به گوش آنها که در سواحل روستای شیب‌دراز و جزیره هنگام بودند، رسید. اجسامی آتش گرفته بود و داشت با سرعت به دریا سقوط می‌کرد... اجسامی که تصور نمی‌کردند بقایای یک فرونده هواپیمای ایران‌ایر و ۲۹۰ مسافر آن باشد. ناوچه‌های نیروی دریایی ایران از سمت شرق به سوی محل سقوط رفتند: «هواپیما رو زدن... مسافر بری بود...» خبر میان اهالی روستای شیب‌دراز و هنگام پیچید... مادران آمدند سراغ بچه‌ها و پسران که در ساحل بازی می‌کردند: «... دریا، جسد میاره... دیکه اینجا بازی نکن...» و پدران آمدند برای کمک ساعتی گذشت و کم‌کم دیگر، جای سوزن‌انداختن در آن سواحل نبود. خانواده‌هایی که کسی را در پرواز ۶۵۵ ایران‌ایر داشتند، آنجا شیون می‌کردند و بزوله‌زانی خواندند.



لحظه صفر بر خورد
۲ موشک ریم-۶۶ ناو وینسنس، یکی به سمت بال و دیگری به هدف دم هواپیمای ایران‌ایر شلیک شدند. در آن لحظه، مسافران هر یک به حال و کار خود بودند؛ بعضی ابرها را تماشا یا آب‌ها را نگاه می‌کردند، بعضی خیلی زود دلتنگ خانه و خانواده‌هایشان شده و کودکان نیز به خوش‌زبانی و بازیگوشی مشغول بودند. مهمانداران پذیرایی می‌کردند و خلبان بر ارتفاع پرواز می‌افزود. سه، دو، یک و ناگهان انفجار... ایرباس ایران‌ایر صد تکه شد و مسافران هزار پاره و خونین... بقایای مسافران و هواپیمادر ۶۴ کیلومتری سواحل شیب‌دراز و هنگام سقوط کردند. ویلیام راجرز، خوشحال از رهگیری دقیق هدف بود که بعدها بی‌شرمانه درباره آن ادعا کرد: «سیستم راداری وینسنس آن را جنگنده اف ۴ نشان می‌داد. در حالی که هواپیما کد شناسایی غیرنظامی ارسال می‌کرد.»